

ارائه مدلی برای ارزیابی خطمشی‌های عمومی (پس از اجرا) با رویکرد حکمرانی شبکه (مورد مطالعه: سازمان تأمین اجتماعی)

سارا حاجت پور^۱ - کرم اله دانش‌فرد^۲ - قنبر امیرنژاد^۳ - محمد تابان^۴

چکیده

زمینه: ارزیابی اجرای خطمشی‌ها با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای نتیجه تعاملاتی است که در آن شهروندان آگاه و سازمان‌های اجتماعی برای انتقال اطلاعات مرتبط با اهداف اجتماعی جهت اتخاذ تصمیمات مطلوب به سازمان‌های دولتی کمک می‌کنند، لذا ارائه مدل در این زمینه به قانون‌گذاران و مجریان در مورد بایدها و نبایدها کمک می‌کند. هدف: این پژوهش به منظور ارائه مدلی برای ارزیابی خطمشی‌های سازمانی با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای انجام گرفت. روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل خبرگان و اساتید دانشگاهی (۱۶ نفر) با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع گزینشی و برای مدیران عالی، میانی و اجرایی سازمان تأمین اجتماعی استان تهران (۸۹ نفر) به روش تصادفی ساده و بر اساس جدول مورگان، انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده و بر اساس ارزیابی اداری، قضایی و سیاسی برای چهار عامل طراحی شبکه، شکل‌گیری شبکه، مدیریت شبکه و مشارکت شبکه ۵۲ سؤال مطرح شد. داده‌ها با نرم‌افزارهای SPSS و LISREL و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل مسیر، تحلیل شدند.

یافته‌ها: از لحاظ رتبه‌بندی بیشترین اولویت را زیر معیار سیاسی (۰/۲۱۵) از بعد مشارکت شبکه دارد، و زیر معیار اداری مشارکت شبکه با (۰/۱۲۶) در رتبه دوم زیر معیار قضایی طراحی شبکه (۰/۰۲۹) در رتبه آخر قرار دارد. نتیجه‌گیری: خطمشی‌های متعددی در زمینه حوزه تأمین اجتماعی تصویب گردیده است، که ارزیابی این خطمشی‌های مصوب نشان‌دهنده آن است که بسیاری از خطمشی‌های این حوزه به صورت ناقص اجرا گردیده و یا اصلاً اجرایی نشده، که این موضوع سبب ایجاد مشکلات عدیده‌ای، در زمینه ارائه خدمات در حوزه تأمین اجتماعی و نارضایتی گسترده در سطح بیمه‌شدگان به عنوان یکی از شرکای تأمین اجتماعی گردیده است. نتایج نشان داد شاخص‌های ارزیابی خطمشی به جزء رویکرد قضایی در شاخص شکل‌گیری شبکه در حکمرانی شبکه‌ای مورد تأیید است و می‌تواند معیاری مناسب به منظور اندازه‌گیری شاخص‌های حکمرانی شبکه‌ای تعریف شده برای ارزیابی خطمشی‌های سازمان تأمین اجتماعی معرفی شوند.

واژگان کلیدی: خطمشی‌های عمومی، حکمرانی شبکه‌ای، شهروندان، تأمین اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران modir_2020@yahoo.com
^۲ استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران daneshfard@srbiau.ac.ir (مسئول مکاتبات)
^۳ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران
^۴ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

مقدمه

تشکیل می‌دهد که همواره میان بازیگران خط‌مشی اتفاق می‌افتد (هاولت و رامش، ۲۰۰۳).

برخی از نویسندگان نیز اساساً حکمرانی را در جامعه امروز چیزی جز شکل شبکه‌ای آن نمی‌دانند (کلیجن، ۲۰۰۸: ۵۲۰). از طرفی طراحی یک چارچوب حکومتی برای شبکه‌های نسل آینده^۴ مباحث نظارتی را پیچیده‌تر می‌کند. اگر چه خط‌مشی‌های سازگار طراحی شده با چالش روبه‌رو هستند اما آن‌ها به‌طور بالقوه در جوامع توسعه‌یافته می‌توانند نتیجه‌بخش باشند. دیدگاه ارائه‌شده حکمرانی شبکه‌ای، متعلق به رویکرد مهندسی اجتماعی است که حیطه‌اش نظارت است و تأکید می‌کند که اگر خط‌نگاری در شبکه یا درون شبکه اتفاق بیفتد، منجر به نتیجه بهتری می‌شود؛ زیرا تا حالا ارزیابی توسط یک واحد خاص صورت می‌گرفت؛ ولی امروزه ارزیابی نه در یک واحد خاص و نه در انزوای یک واحد خاص صورت می‌گیرد، بلکه ارزیابی باید درون شبکه و توسط متولیان و بازیگران متعددی صورت گیرد و این موجب می‌شود که ارزیابی نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد. در شرایط فعلی که جامعه از پیچیدگی زیادی برخوردار است، تعریف شبکه‌ای از حکمرانی به واقعیت نزدیک‌تر بوده و کارآمدتر است. حکمرانی شبکه‌ای نتیجه تعاملاتی است که در آن شهروندان آگاه و سازمان‌های اجتماعی برای انتقال اطلاعات مرتبط با اهداف اجتماعی جهت اتخاذ تصمیمات مطلوب به سازمان‌های دولتی کمک می‌کنند (متورو^۵، ۲۰۰۴، ۱۹۷).

اگر این رویکرد در حوزه سیاست‌گذاری اتفاق نیفتد، فرآیند خط‌مشی گذاری عمومی و نظارت محدود خواهد شد (شریف‌زاده و معدنی، ۱۳۹۴، ۱۱۳). امروزه با توجه به نگاه کوتاه‌مدتی که دولت‌ها فارغ از خاستگاه سیاسی‌شان نسبت به امور و موفقیت در سیاست‌گذاری دارند، اصولاً تنگناهای متعددی در حوزه سیاست‌گذاری و تأمین منابع سیاست‌های اتخاذی روبرو هستند و از قدرت خود در تغییر

ارزیابی به‌عنوان یکی از مراحل فرایند خط‌مشی-گذاری در طول تمام مراحل فرایند خط‌مشی گذاری جاری و ساری است. مطالعات جدید در عرصه‌ی ارزیابی خط‌مشی، مشخصاً بر قضاوت‌های هنجاری در مورد نهادهای سیاسی و خط‌مشی‌های اجتماعی تأکید دارد، ولی قضاوت‌های سیاسی مبتنی بر تحلیل‌های نظام‌مند ریاضی و آماری بوده و با شاخص‌هایی همچون اثربخشی، کارایی و برابری سروکار داشتند. در فرایند ارزشیابی خط‌مشی به‌طور عمده دیوان‌سالاران و سیاستمداران دولتی مرتبط با آن خط‌مشی دخالت دارند. البته معمولاً افراد غیردولتی زیر نظام‌های خط‌مشی نیز در ارزیابی مؤثرند. حتی می‌توان از مردم عام هم نام برد که در نهایت در زمان رأی‌گیری، به آن خط‌مشی رأی می‌دهند (بکر، ۱۹۸۳).

اعضای زیر نظام خط‌مشی و سایر افراد ذینفع نیز به‌نوبه خود نحوی اجرای آثار خط‌مشی را ارزیابی می‌کنند تا بتوانند در صورت لزوم از آن حمایت کنند یا با آن به مخالفت برخیزند یا خواستار تغییر آن شوند. بنابراین ارزشیابی خط‌مشی، فرایندی است که در آن مشخص می‌شود یک خط‌مشی در عمل از چه ابزارهایی استفاده کرده و درصدد تحقق چه اهدافی بوده است. عمق و دقت ارزشیابی خط‌مشی به نظر کسانی بستگی دارد که دستور شروع آن را صادر کرده‌اند یا به اجرای آن متعهد شده‌اند (ایمانیان و منوریان، ۱۳۹۴).

ارزشیابی خط‌مشی مانند سایر مراحل فرایند خط‌مشی، اقدامی سیاسی است و در برخی مواقع از آن برای پنهان کردن حقایق خاص استفاده می‌شود، حقایقی که بیم آن می‌رود، دولت را در موضع ضعف قرار دهد برای دولت نیز این امکان وجود دارد که از ارزیابی به نحوی استفاده کند که از آن خط‌مشی، تصویر مطلوب‌تری به دست آید. بخش اعظم این فرایند را بحث‌ها، مشاجرات، مذاکرات و توجیهاتی

• ارزیابی خطمشی اجراشده و کسب اطلاعات از بازتاب عملیات اجرایی:

پس از بحران جهانی دهه‌ی ۱۹۷۰، تلاش دولت‌ها برای برون‌رفت از این بحران، به اشکال مختلف بروز یافت که به موج سوم ارزیابی تبدیل شد. در بسیاری از کشورها مفهوم «مدیریت دولتی نوین» مطرح شد که خود به گفتمان جهانی برای مدرن کردن دولت‌ها تبدیل شد. در برخی کشورها نیز اصلاح بخش دولتی با سازوکار ارزیابی درونی، به بخشی از بسته مدیریت دولتی آن‌ها تبدیل شد (پولت، ۲۰۰۴). ارزیابی خطمشی عمومی، به شکل کلی به‌عنوان ابزاری تحلیلی و رویه-ای تعریف‌شده که دو کار انجام می‌دهد، نخست تحقیق ارزیابی، دوم ارزیابی به‌عنوان مرحله‌ای از چرخه‌ی خطمشی که اشاره دارد به گزارش اطلاعات به‌دست‌آمده به خطمشی‌گذاران درگیر در فرایند خطمشی‌گذاری (وولمن، ۱۹۹۴). افزون بر این، ارزیابی‌هایی که از سوی بیرون از دولت صورت می‌گیرد، همواره برای بهبود خطمشی طراحی نشده است بلکه اغلب، ارزیابی برای انتقاد از دولت و بهره‌برداری سیاسی از آن طراحی می‌شود تا بتوان از این موقعیت، امتیازی به دست آورد (چلیمسکی، ۱۹۹۵). مطابق نظریه برمن در سال ۱۹۸۰، نباید خطمشی را ارزیابی کرد بلکه باید اجرا را ارزیابی نمود، چون رویکرد بالا به پایین تک حلقه‌ای است ولی رویکرد پایین به بالا دو حلقه‌ای است پس ارزیابی خطمشی تک حلقه‌ای است و ارزیابی اجرا، نوعی یادگیری دو حلقه‌ای می‌باشد (برمن، ۱۹۸۰: ۱۵۷). به نظر می‌رسد در حال حاضر، یکی از مهم‌ترین مسائل در سطح سیاسی، مسئله حفظ توانایی در پرداخت حمایت‌ها و ارائه خدمات و درآمدزایی از محل سرمایه‌گذاری مناسب در سازمان تأمین اجتماعی در جهت ایجاد رضایت بین شرکای اجتماعی خود می‌باشد، که این مقوله رضایت از نحوه ارائه خدمات و حمایت‌ها در مهر و موم‌های اخیر با مشکلاتی همراه بوده است، که نتیجه این عدم

سیاست‌ها و تخصیص‌های متعدد منابع در بخش‌های مختلف استفاده نموده و ثبات را در رفتار خود از دست می‌دهند و در این حالت اثربخشی منابع و عدالت توزیعی که سازمان‌های بیمه‌ای در افق‌های بلندمدت تعقیب می‌کنند، در ابعاد افقی و عمودی آن مورد خدشه واقع می‌گردد. اگرچه توانمندسازی قانونی نهادها و مجریان دولتی می‌تواند باعث ایجاد مشروعیت اجرای قوانینی شود که به‌طور محلی طراحی و تدوین شده است، اما مخاطراتی مانند افزایش اختیارات کارگزاران برای تدوین و اجرای قانون به‌طور دلخواه را فراهم می‌کند و مشروعیت دولتی نهادهای عمومی را به‌واسطه نادیده گرفتن حق قانونی سایر زیر نظام‌های خطمشی عمومی جهت مورد چالش قرار دادن نهادهای مجری را می‌کاهد (برنس و همکاران، ۲۰۰۸).

در دوره هشتاد و چهار ساله سازمان تأمین اجتماعی، بار مالی تعهدات قانونی مستقیماً توسط بیمه پردازان تأمین گردیده و سهم منابع دولتی در آن بسیار ناچیز و کم‌رنگ بوده است. اما دولت و مجلس فارغ از همه تکالیف سازمان، از هر فرصتی حداکثر استفاده را نموده و با بردن لایحه یا تصویب طرحی به فکر چاره‌ای برای حل مشکلات کلان‌تر در سطح جامعه بدون در نظر گرفتن شرایط سازمان، هستند. برابر اطلاعات و آمارهای موجود ضریب پشتیبانی سازمان که در دهه چهل و پنجاه بیش از بیست نفر بوده است. در حال حاضر این ضریب به حدود شش نفر رسیده است و با ادامه این روند نزولی زنگ هشدار برای پایداری صندوق‌های بیمه‌ای به صدا درمی‌آید. از طرفی دیگر عوامل تأثیرگذار بیرونی همانند افزایش سن امید به زندگی، رونق اقتصادی پایین، تحریم‌های بین‌المللی، تأثیر نفت بر پروژه‌های عمرانی، بهبود وضعیت سلامت و معیشت و مکانیزه شدن مشاغل سبب رشد نامطلوب سازمان و عدم توازن دخل و خرج آن گردیده است.

روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های ترکیبی و از نوع اکتشافی متوالی^۷ و مدل ابزارسازی^۸ بوده که در دو مرحله کیفی و کمی اجرا گردیده است. قلمرو مکانی و زمانی پژوهش حاضر مربوط به سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۶ است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است.

جامعه آماری و نمونه پژوهش از دو گروه تشکیل شده است. گروه اول: شامل خبرگان و اساتید دانشگاهی منتخب و متخصص در بخش بیمه که دارای ویژگی‌هایی نظیر در دسترس بودن، تجربه، تناسب رشته تحصیلی، مدرک دکتری، اشتغال به تدریس در دانشگاه، سابقه پژوهشی و تألیفی در این زمینه بودند، به تعداد نامحدود می‌باشند که در دو بخش از نظرات آن‌ها استفاده شده است. بخش اول برای پرسشنامه‌های مربوط به شناسایی متغیرهای تحقیق و بخش دوم در مرحله اعتبار و روایی مدل نهایی ارائه شده موردسنجش قرار گرفت. گروه دوم: شامل مدیران عالی، میانی و اجرایی سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد.

در پژوهش حاضر جهت انتخاب نمونه مناسب از جامعه خبرگان و اساتید دانشگاهی از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع گزینشی (روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری و از فن نمونه افراد کلیدی (خبرگان)) به تعداد ۱۶ نفر و در خصوص جامعه مدیران عالی، میانی و اجرایی سازمان تأمین اجتماعی در استان تهران از روش نمونه‌گیری

چندمرحله‌ای و به روش تصادفی ساده استفاده می‌گردد که جامعه آماری برابر ۱۲۰ نفر بوده است که حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۹۲ نفر می‌باشد، که پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۸۹ پرسشنامه جمع-آوری گردید که نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها ۹۶٫۷ درصد است.

برای رسیدن به مدل مطلوب بر اساس رویکرد حکمرانی شبکه‌ای که چهار عامل طراحی شبکه، شکل‌گیری شبکه، مدیریت شبکه و مشارکت شبکه در آن مشخص شده است که بر اساس ارزیابی اداری، قضایی و سیاسی برای هر شاخص ۱۸ سؤال در نظر گرفته شده است. به منظور تعیین روایی پرسشنامه نسبت به دریافت نظرات خبرگان اقدام و روایی آن تأیید شد. همچنین پایایی ابزار نیز از طریق برآورد ضریب آلفای کرونباخ با کمترین مقدار برای شاخص شکل‌گیری شبکه یعنی ۰/۷۳۴ عمل شده است. که بیانگر هماهنگی درونی گویه‌ها و تأیید پایایی پرسشنامه بود. داده‌ها از طریق نرم‌افزارهای SPSS و LISREL با روش تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر تحلیل می‌شوند.

یافته‌ها

در ابتدا از طریق آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای تعیین همگون بودن اطلاعات تجربی استفاده گردید. بر اساس جدول ۱- در نتیجه این آزمون، فرضیه H_0 پذیرفته (بیشتر از ۰/۰۵) و متغیرهای رویکرد حکمرانی شبکه‌ای دارای توزیع نرمال شناخته شدند.

جدول ۱: آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای تحقیق

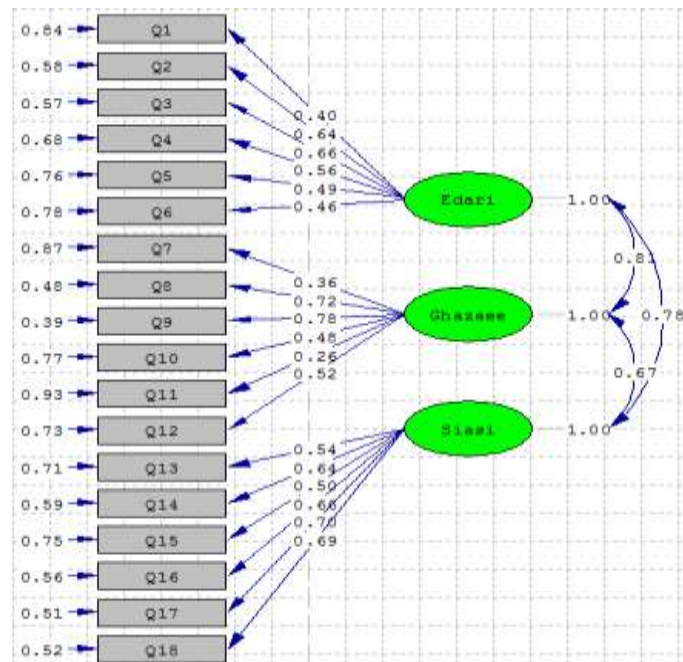
شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره (Z)	سطح معنی‌داری
طراحی شبکه	۸۹	۳/۷۷	۰/۴۵	۰/۸۷۶	۰/۴۲۶
شکل‌گیری شبکه	۸۹	۳/۴۸	۰/۴۸	۰/۹۵۳	۰/۳۲۳
مدیریت شبکه	۸۹	۳/۶۹	۰/۴۶	۰/۸۴۵	۰/۴۷۳
مشارکت شبکه	۸۹	۳/۳۴	۰/۴۳	۱/۰۱۹	۰/۲۵۱

قبل از اجرای تحلیل عاملی تأییدی ضروری است آزمون کفایت نمونه‌برداری^۹ و بارتلت به منظور بررسی قوت ماتریس همبستگی میان شاخص‌ها و مناسبت تحلیل عاملی اجرا شوند.

آزمون کرویت بارتلت نشان می‌دهد آیا ماتریس همبستگی شاخص‌ها یک ماتریس همبستگی است که بر عدم رابطه میان شاخص‌ها دلالت دارد یا خیر. سطح معنی‌داری، نتایج آزمون را نشان می‌دهد. مقادیر خیلی کوچک (کمتر از ۰/۰۵) مبین این است که احتمالاً میان شاخص‌ها رابطه معناداری وجود دارد، مقادیر بالاتر یا در حدود ۰/۱ مبین این است که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نیست. همان‌طور که در جدول ۲- مشاهده می‌شود مقادیر این آزمون در تحقیق حاضر نشان‌دهنده وجود رابطه معناداری میان شاخص‌های شناسایی شده تحقیق است.

جدول ۲: آزمون کفایت نمونه‌برداری و بارتلت شاخص‌های پژوهش

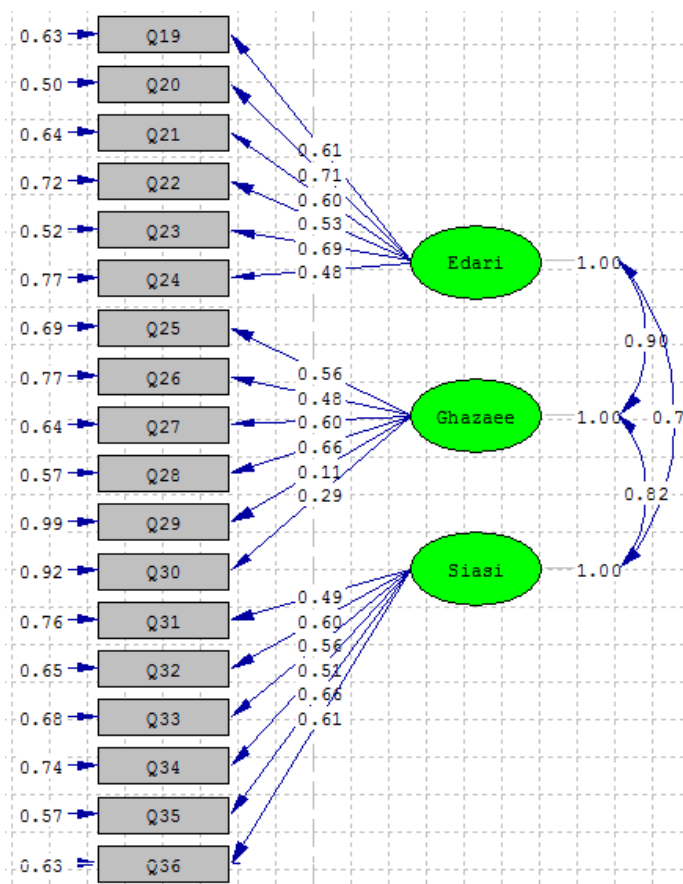
۰ / ۸۵۷	آزمون کفایت نمونه‌برداری	
۲۲۱۱ / ۶۳	شاخص کرویت بارتلت	طراحی شبکه
۱۵۳	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری	
۰ / ۸۵۷	آزمون کفایت نمونه‌برداری	
۲۳۳۴ / ۰۱۷	شاخص کرویت بارتلت	شکل‌گیری شبکه
۱۵۳	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری	
۰ / ۸۵۲	آزمون کفایت نمونه‌برداری	
۲۴۰۱ / ۱۴۲	شاخص کرویت بارتلت	مدیریت شبکه
۱۵۳	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری	
۰ / ۷۴۷	آزمون کفایت نمونه‌برداری	
۱۷۲۵ / ۷۶۴	شاخص کرویت بارتلت	مشارکت شبکه
۱۵۳	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری	



شکل ۱: تحلیل عاملی تأییدی متغیر طراحی شبکه

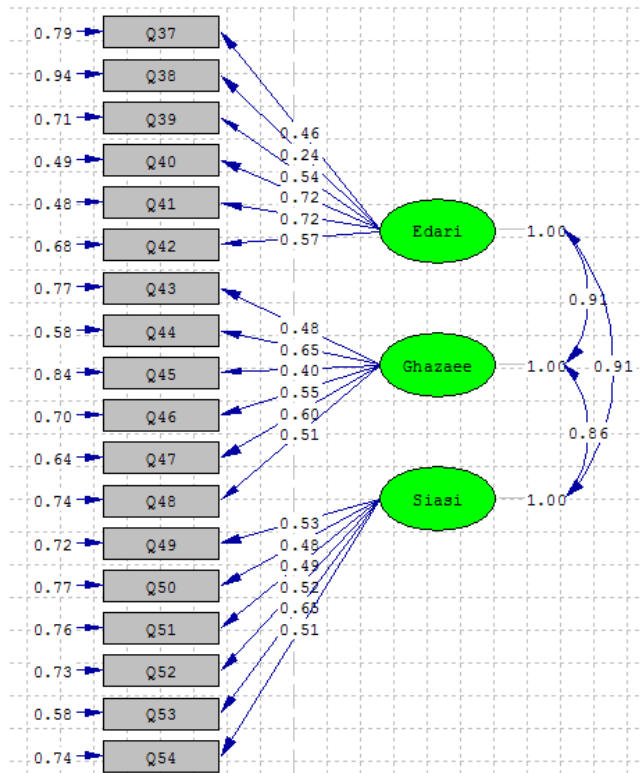
(شاخص‌های برازش: X^2/DF : ۲/۸۸; RMSEA: ۰/۰۸۶; GFI: ۰/۹۱; AGFI: ۰/۹۰; CFI: ۰/۹۱; IFI: ۰/۹۱)

فصلنامه خطمشی‌گذاری عمومی در مدیریت



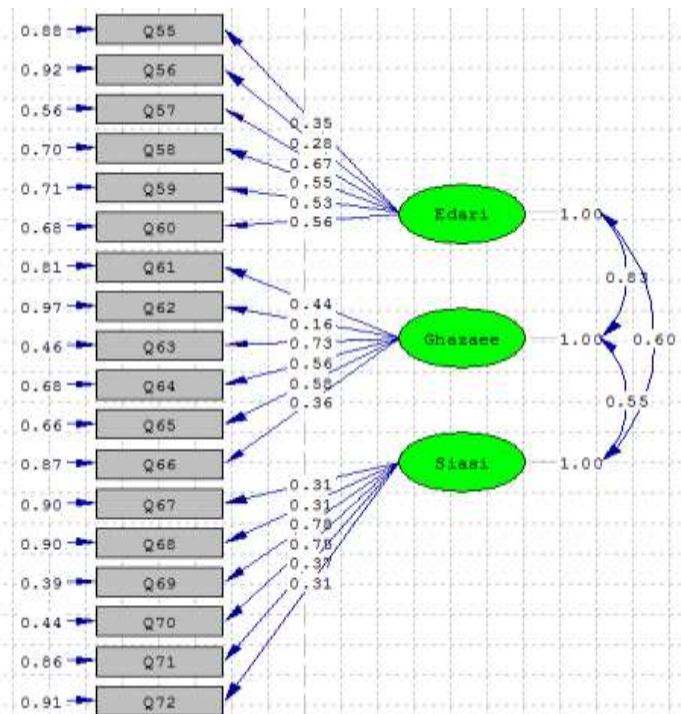
شکل ۲: تحلیل عاملی نرم‌افزار لیزرول متغیر شکل‌گیری شبکه

(شاخص‌های برازش: X^2/DF : ۲/۹۱; RMSEA: ۰/۰۸۴; GFI: ۰/۹۲; AGFI: ۰/۹۰; CFI: ۰/۹۲; IFI: ۰/۹۲)



شکل ۳: تحلیل عاملی نرم افزار لیزرل متغیر مدیریت شبکه

(شاخص‌های برازش: X2/DF: ۲/۹۶؛ RMSEA: ۰/۰۸۸؛ GFI: ۰/۹۱؛ AGFI: ۰/۹۰؛ CFI: ۰/۹۱؛ IFI: ۰/۹۱)



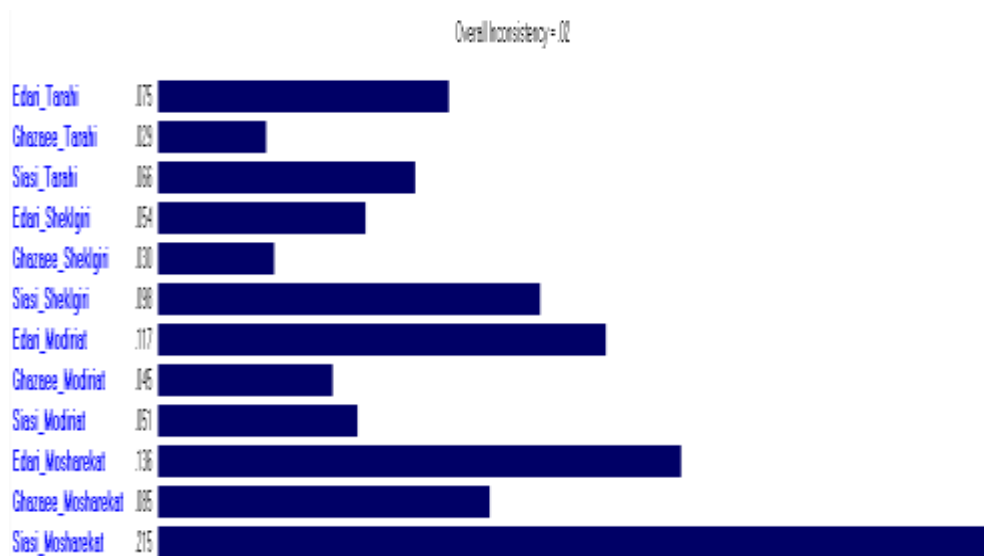
شکل ۴: تحلیل عاملی نرم افزار لیزرل متغیر مشارکت شبکه

(شاخص‌های برازش: X2/DF: ۲/۹۶؛ RMSEA: ۰/۰۸۵؛ GFI: ۰/۹۱؛ AGFI: ۰/۹۰؛ CFI: ۰/۹۰؛ IFI: ۰/۹۲)

(۰/۹۲ : IFI : ۰/۹۲ :

انجام می‌شود. برای این منظور وزن نهایی عناصر هر گروه برابر است با حاصل ضرب وزن محلی عناصر در وزن سرگروه خود (عوامل اصلی) و نهایت رتبه هر یک از خطمشی‌های سازمان تأمین اجتماعی با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای مشخص می‌گردد که نتایج این گام در شکل ۵- آمده است.

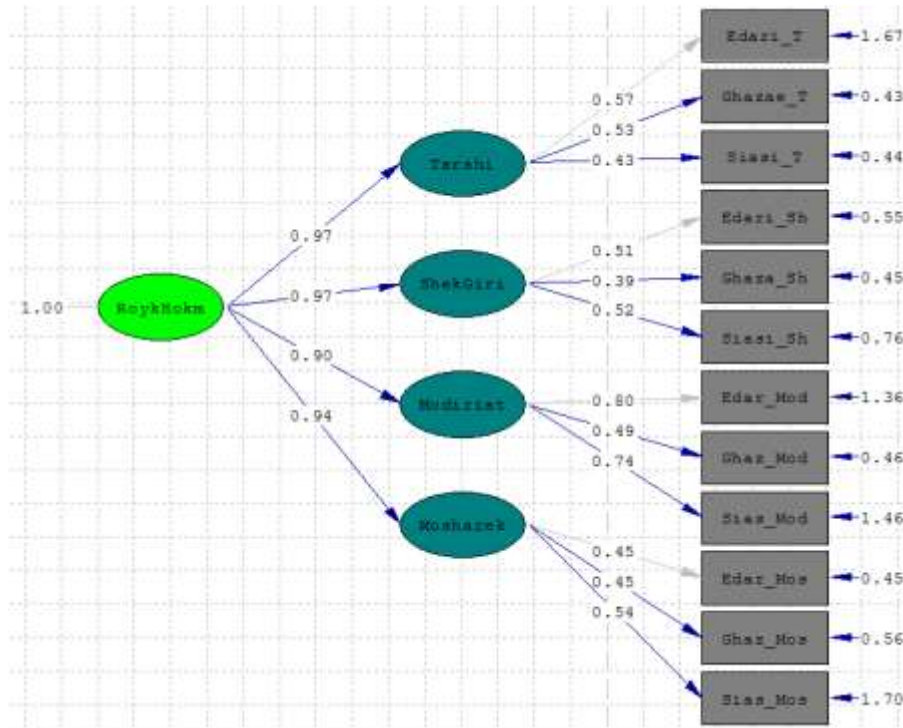
شاخص‌های برازش شکل‌های اتا۴ نشان می‌دهد که تحلیل عاملی تأییدی سازه‌های پرسشنامه دارای برازش مناسب بوده و سازه‌های پرسشنامه به‌خوبی شاخص‌های مربوطه را نشان می‌دهند. پس از ارائه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی، اولویت‌بندی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی خطمشی‌های سازمان تأمین اجتماعی با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای



شکل ۵: اولویت‌بندی غیرمعیارهای کلیه عوامل

جدول ۳: اولویت‌بندی زیر معیارهای کلیه عوامل

ردیف	مؤلفه‌ها	وزن	اولویت
۱	اداری طراحی شبکه	۰/۰۷۵	۶
۲	قضایی طراحی شبکه	۰/۰۲۹	۱۲
۳	سیاسی طراحی شبکه	۰/۰۶۶	۷
۴	اداری شکل‌گیری شبکه	۰/۰۵۴	۸
۵	قضایی شکل‌گیری شبکه	۰/۰۳	۱۱
۶	سیاسی شکل‌گیری شبکه	۰/۰۹۸	۴
۷	اداری مدیریت شبکه	۰/۱۱۷	۳
۸	قضایی مدیریت شبکه	۰/۰۴۵	۱۰
۹	سیاسی مدیریت شبکه	۰/۰۵۱	۹
۱۰	اداری مشارکت شبکه	۰/۱۳۶	۲
۱۱	قضایی مشارکت شبکه	۰/۰۸۵	۵
۱۲	سیاسی مشارکت شبکه	۰/۲۱۵	۱



شکل ۶: مدل نهایی پژوهش

(شاخص‌های برازش: X2/DF: ۱/۱۳؛ RMSEA: ۰/۰۸۱؛ GFI: ۰/۹۰؛ AGFI: ۰/۹۰؛ CFI: ۰/۹۳؛ IFI: ۰/۹۴)

۰،۴ باشد که در شکل ۶- ملاحظه می‌کنید برای شاخص‌های ارزیابی خط‌مشی عمومی به جزء رویکرد قضایی در شاخص شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای رابطه بزرگ‌تر از ۰،۴ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های ارزیابی خط‌مشی به جزء رویکرد قضایی در شاخص شکل‌گیری شبکه در حکمرانی شبکه‌ای مورد تأیید است و می‌تواند معیاری مناسب به منظور اندازه‌گیری شاخص‌های حکمرانی شبکه‌ای تعریف‌شده برای ارزیابی خط‌مشی سازمان تأمین اجتماعی معرفی شوند. در بخش دوم رابطه بین شاخص شکل‌گیری حکمرانی شبکه‌ای و حکمرانی شبکه‌ای بررسی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد ضریب مسیرهای برآورد شده بزرگ‌تر از ۰،۱ است، معنادار می‌باشد، به عبارتی هر چهار شاخص بر حکمرانی شبکه‌ای تأثیر مثبت دارد.

با توجه به رتبه‌بندی برای تمامی زیر معیارها، مشاهده می‌شود، بیشترین اولویت را زیر معیار سیاسی از بعد مشارکت شبکه با وزن ۰/۲۱۵ دارا می‌باشد، زیر معیار اداری مشارکت شبکه با وزن ۰/۱۲۶ در رتبه دوم و در نهایت زیر معیار قضایی طراحی شبکه با وزن ۰/۰۲۹ در رتبه آخر قرار دارد.

تمامی شاخص‌های برازش به‌کاررفته نشان می‌دهد که این مدل دارای برازش خوبی است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که مدل تحقیق توانایی بالایی در اندازه‌گیری متغیرهای اصلی تحقیق دارد. با توجه به استاندارد بودن مدل، یافته‌های لیزرل قابلیت اعتماد را دارد.

نتایج در دو بخش تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر بررسی می‌شود: تحلیل عاملی رابطه بین شاخص‌های ارزیابی خط‌مشی عمومی که با مستطیل نشان داده‌شده است و شاخص‌های حکمرانی شبکه‌ای که با بیضی سطح دوم نشان داده‌شده است را بررسی می‌کند. ضریب برآورد شده برای رابطه باید بزرگ‌تر از

بحث و نتیجه‌گیری

حکمرانی شبکه‌ای یک ابزار ویژه‌ای را در اختیار سیاست‌گذاران و تحلیلگران سیاستی قرار می‌دهد تا به‌وسیله آن با مسائل بغرنج روبه‌رو شوند. مسائلی که هزینه شکست جهت پاسخ به آن‌ها بالا است؛ شامل موضوعاتی می‌شوند که برای نیازهای شهروندان، حیاتی است (مثل بهداشت یا حمل‌ونقل) و تعداد زیادی از بازیگران برای حل آن‌ها مسئولیت دارند؛ و در حل مسائل پیچیده و ایجاد سرمایه اجتماعی در میان بازیگران مؤثر است. ارزیابی خطمشی، مشخصاً بر قضاوت‌های هنجاری در مورد نهادهای سیاسی و خطمشی‌های اجتماعی تأکید دارد، از این‌رو با استفاده از سه رویکرد ارزیابی سیاسی، قضایی و اداری با شاخص‌های حکمرانی شبکه‌ای مانند طراحی، شکل-گیری، مدیریت و مشارکت شبکه این پژوهش به دنبال ارائه مطلوب‌ترین مدل ارزیابی خطمشی در سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد. نتایج نشان داد که شاخص شبکه در حکمرانی شبکه‌ای مورد تأیید است و می‌تواند معیاری مناسب به‌منظور اندازه‌گیری شاخص‌های حکمرانی شبکه‌ای تعریف‌شده برای ارزیابی خطمشی-های سازمان تأمین اجتماعی معرفی شوند. از لحاظ رتبه‌بندی نیز بیشترین اولویت را زیر معیار سیاسی از بعد مشارکت شبکه دارد، و در نهایت زیر معیار قضایی طراحی شبکه در رتبه آخر قرار دارد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات به‌دست‌آمده از پژوهش استالی (۲۰۰۶) که نشان داد برای ارزیابی و اجرای موفق خطمشی‌های اجرایشده توسعه پایدار بر نقش بازار و سازوکارهای اقتصادی تأکید می‌کند، و عوامل: شفاف بودن، تدوین استانداردهای یکسان، عدم فناوری اجباری، رویکردهای مشفقانه، خاتمه دادن به خطمشی‌های غیر مؤثر، توجه به تمایلات و ترجیحات شهروندان را مدنظر قرارداد، همخوانی دارد. و نتایج تحقیق فدای و همکاران (۲۰۱۴) در ارزیابی خطمشی‌های سلامت و توسعه که مهم‌ترین عوامل

مؤثر بر سیاست‌گذاری را منافع سیاسی، فرقه‌گرایی، فوریت و ارزش‌های سیاست‌گذاران بیان نمود و اینکه سیاست‌گذاران باید از نقش مهم شواهد در اطلاع‌رسانی و پیاده‌سازی و ارزیابی سیاست‌ها آگاه باشند و همچنین نتایج تحقیق البزابت میشل (۲۰۰۶) که در به‌کارگیری و ارزیابی مدل اقتضائی برای اجرای خطمشی یادگیری آنلاین در تحصیلات عالی، معیارهای بی‌میلی فکری، حمایت، تغییر، سود و زیان، دقت، ارزیابی، ابزار و اختیار را مدنظر قرارداد. در تحقیق دانش فرد (۱۳۹۳) نیز جهت شناسایی موانع اجرای خطمشی‌های عمومی در سازمان‌های غیردولتی با نظر خبرگان نوزده عامل در پنج گروه عوامل: پشتیبانی، انسانی، مدیریتی، ساختاری و اهداف و استراتژی در اولویت بررسی قرار گرفت. همچنین نتایج تحقیق معمار زاده طهران (۱۳۹۲) در ارائه مدل برای ارزیابی اثربخشی اجرای خطمشی‌های عمومی ج.ا.ا. نشان داد که میزان اثربخشی انواع اجرا با یکدیگر متفاوت است و برای افزایش اثربخشی هر نوع اجرا باید به شاخص‌های مختلف توجه نمود. بنابراین پیشنهاد می‌شود در راستای اهداف سازمان تأمین اجتماعی در مرحله ارزیابی خطمشی‌های این حوزه (پس از اجرا) با استفاده از نظرات خبرگان و اساتید مطلع و مدیران اجرایی و عملیاتی ذی‌ربط و به‌منظور حفظ توانایی در پرداخت حمایت‌ها و ارائه خدمات و درآمدزایی از محل سرمایه‌گذاری مناسب به ارزیابی صحیح خطمشی‌های عمومی مصوب (پس از اجرا) و با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای پرداخت و به این طریق از میزان خطاهای ناشی از مشکلات ارزیابی خطمشی‌ها کاست.

منابع

الوانی، سید مهدی، شلویری، میثاق (۱۳۹۵). اجرای خطمشی عمومی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.

- Analysis in the Social Sciences, Science, Vol. 323, Issue 5916, pp. 892-895.
- Boerzel, T. A. (1998). Organizing Babylon: on the different conceptions of policy networks. *Public Administration*, 76 (2).
- Brenes, E. R. Mena, M. & Molina, G. E. (2008). "Key Success Factors for Strategy Implementation in Latin America". *Journal of Business Research*, 61(6), 590-598.
- Castells, Manuel (2000). *The Rise of The Network Society: The Information Age: Economy, Society and Culture*, Volume 1, 624 pages.
- Chomsky, N. (1995) *Deterring Democracy*. London: Vintage.
- Coveney, J. (2010). Analyzing public health policy: three approaches, *Health PromotPract*, Jul;11(4):515-21.
- E. Michael (Ed.), (2006). *Micro-clusters and Networks: The Growth of Tourism*. Amsterdam: Elsevier.
- Fadi El-Jardali, Lama Bou-Karroum, NourAtaya, Hana Addam El-Ghali, RawanHammoud.(2014).A retrospective health policy analysis of the development and implementation of the voluntary health insurance system in Lebanon: Learning from failure. *Social Science & Medicine*.123. 45 - 54.
- Hawelett, M. Ramesh, M. (2003). *Studying public policy*, 3rd ed. Oxford, university press, Toronto.
- Klijn, E. H (1996b), *Analysing and Managing Policy Processes in Complex Networks*, A Theoretical.
- Lamb, Norman (2017) "Politics and policy of mental health", *International Journal of Human Rights in Healthcare*, Vol. 10 Issue: 3, pp.160-162.
- Lewis, M. Jenny. (2011). *The Future of Network Governance Research: Strength in Diversity and Synthesis*, *Public Administration*. Vol. 89, No. 4, 2011 (1221-1234).
- Lindblom. Charles, E (1998)" *The Policy Making Process*", 2nd ed. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- Maturo, Antonio. (2004). *Network Governance as a Response to Risk Society Dilemmas: A Proposal from the Sociology of Health*. Topoi, 23.
- Polit, D. F. and C. T. Back (2007). *Nursing Research: Principles and Methods*. New York, Edward Elgar.
- New, F. (2002). Professional development that addresses school capacity: Lessons from Urban Elementary Schools. *American Journal of Education* 108, 259-299.
- Nutt, P. C. (2007). "Examining the link Between Plan Evaluation and Implementation
- استالی، ساموئل (۲۰۰۶). عوامل مؤثر در شکست اجرا: با تکیه بر نقش بازار و مکانیزمهای اقتصادی غبه ابعاد سیاسی بر اقتصاد.
- دانايفرد، حسن. جاويد، داريوش. فانی، علیاصغر (۱۳۹۱). ارتقای ظرفیت‌گردشگری جمهوریاسلامیایران: تحلیلابزارهایخطمشیگذاریملیگردشگری، مطالعاتمدیریتگردشگری، پاییز، شماره ۱۹، ۱-۲۴.
- دانشفرد، کرم اله. (۱۳۹۳). موانع اجرای خطمشی‌های عمومی درسازمان های غیردولتی (بخش خدمات پلیس+۱۰ و دفاتر خدمات پیشخوان دولت). فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی. شماره ۶. دوره دوم. صص ۲۳-۵۰.
- قلی پور، رحمت اله. دانایی فرد، حسن. زارعی، متین حسن. جندقی، غلامرضا. فلاح، محمدرضا. (۱۳۹۰). آرایه مدلی برای «اجرای خطمشی‌های صنعتی» مطالعه موردی در استان قم. مدیریت فرهنگ سازمانی. دوره ۹. شماره ۲ (پیاپی ۲۴). صص ۱۰۳ - ۱۳۰.
- محمدی، مهتاب، الوانی، سیدمهدی، معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۳۹۴). طراحی مدل حاکمیتی اجرای خطمشی‌های منابع انسانی دربخش دولتی ایران مورد مطالعه: قانون مدیریت خدمات کشوری، فصلنامه مدیریت سازمانهای دولتی؛ سالسوم، شماره ۱۴، صص ۷-۲۱.
- مقدس پور، سعید. دانایی فرد، حسن. کرد نایب، اسدالله. (۱۳۹۲). واکاوی عوامل کلیدی در عدم موفقیت برخی خطمشی‌های عمومی در ج. ا. ایران: مطالعه خطمشی‌های مالیاتی کشور. مدیریت فرهنگ سازمانی. سال یازدهم. شماره ۱ (پیاپی ۲۷). صص ۳۳-۶۸.
- Baurman, Z. (2001). *The Individualized Society*, Cambridge: Polity Press.
- Beer, Michael and Russell A. Eisenstat. (2000). *The Silent Killers of Strategy Implementation and Learning*, Magazine: Summer.
- Borgatti, Stephen P. Ajay Mehra, Daniel J. Brass, Giuseppe Labianca. (2009). *Network*

".Technological Forecasting and Social Change, 74, 1252-1271.

QiuHanqin Zhang, King Chong, C.L. Jenkins, (2002), "Tourism policy implementation in mainland China: an enterprise perspective", International Journal of Contemporary Hospitality Management, Vol. 14 Iss 1 pp. 38 – 42.

Stil J. (2005). "The Policy Implementation Process," pp198-199.

یادداشت‌ها

¹ Becker

² Hawelett and Ramesh

³ Klijn

⁴ Next Generation Networks (NGN)

⁵ Maturo

⁶ Brenes et al

⁷ Sequential Exploratory

⁸ Instrument Development

⁹ Kaiser-Meyer-Olkin